

Legal Capacity of Social Networks as Estate

Rasool Malakooti

Department of Law, Par.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran

(Corresponding Author) Email: rasool.malakooti@iau.ir

Danial Vojdani Moghaddam

Department of International Trade and Economic Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran

Abstract

Inheritance as the legal right of heirs to the assets contained in the estate of the deceased is one of the important issues following death. Nowadays, this matter is not limited to traditional assets, and the importance of inheriting virtual networks has also been raised. In fact, social networks encompass a significant portion of people's lives. People engage in various activities through virtual networks, including economic activities, and earn income through them. It seems that these networks have become a platform for economic activities. Therefore, in this article, by examining the opinions of scholars and using the legal foundations of Iran, solutions regarding the eligibility of virtual networks as estate have been presented. It is clear that because these assets have their own unique characteristics, they cannot be equated with traditional assets and ownership; therefore, independent and modern regulations must be established regarding the possibility of inheriting these assets. As a result, four fundamental steps have been presented to provide solutions for enacting and amending new laws in this regard. It should not be overlooked that the primary mission of legal-economic researchers is to improve the current situation given the existing limitations; therefore, until the legislator recognizes the importance of this issue and proceeds to enact appropriate laws, the best solution that aligns with the current status of Iran's legal system for resolving the present challenges is to utilize the civil liability system. This solution appears much more practical and less flawed compared to other solutions, so that heirs, as well as third parties who have had financial transactions with the deceased through these networks, do not suffer losses.

Key words: Inheritance, Virtual Networks, Property, Deceased, Civil Liability

*Citation (APA): Malakooti, R.; Vojdani Moghaddam, D. (2025). Legal Capacity of Social Networks as Estate. *Cyberspace legal studies*, 4(15), 1 - 20



قابلیت حقوقی شبکه‌های مجازی به عنوان ماترک

رسول ملکوتی

گروه حقوق، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

(نویسنده مسئول) ایمیل: malakooti@pardisiau.ac.ir

دانیال وجدانی مقدم

گروه حقوق تجاری اقتصادی بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

چکیده

ارث به عنوان حق قانونی ورثه نسبت به اموال موجود در ترکه متوفی، یکی از مباحث مهم پس از مرگ می باشد. امروزه این مهم، تنها به اموال سنتی محدود نبوده و اهمیت ارث‌بری شبکه‌های مجازی نیز مطرح شده است. در واقع شبکه‌های اجتماعی، قسمت عمده‌ای از زندگی مردم را در بر گرفته است. مردم از طریق شبکه‌های مجازی به فعالیت‌های مختلف از جمله فعالیت‌های اقتصادی می پردازند و به واسطه آن، درآمد کسب می کنند. گویی این شبکه‌ها به بستری برای فعالیت‌های اقتصادی تبدیل شده اند. لذا در این مقاله با بررسی نظرات اندیشمندان و استفاده از مبانی حقوقی ایران، راهکارهایی در خصوص قابلیت قرارگیری شبکه‌های مجازی به عنوان ماترک ارائه گردید. روشن است که به دلیل آنکه این اموال ویژگی‌های خاص خود را دارا می باشند، نمی توان آنها را با اموال و مالکیت سنتی یکی دانست، فلذا باید مقررات مستقل و نوینی در خصوص امکان ارث‌بری این اموال وضع شود. در نتیجه، چهار گام اساسی به منظور ارثه راهکارهایی برای وضع و اصلاح قانونی نوین در این خصوص ارائه گردید. ناگفته نماند، رسالت اصلی پژوهشگران حقوقی - اقتصادی، بهبود وضعیت کنونی با توجه به محدودیت‌های موجود است، لذا تا زمانی که قانونگذار، اهمیت این موضوع را درک کند و به وضع قانونی مناسب بپردازد، برای حل چالش کنونی، بهترین راهکاری که مطابق با وضعیت فعلی نظام حقوقی ایران می باشد، استفاده از نظام مسئولیت مدنی است. این راهکار درمقایسه با راهکارهای دیگر، بسیار عملی تر و کم ایراد تر ظاهر می شود تا از این طریق، ورثه و نیز اشخاص ثالثی که به واسطه این شبکه‌ها با متوفی مبادله مالی داشته اند، متضرر نشوند.

واژگان کلیدی: ارث، شبکه‌های مجازی، مال، متوفی، مسئولیت مدنی

*استانداردهی (APA): ملکوتی، رسول؛ وجدانی مقدم، دانیال. (۱۴۰۴). قابلیت حقوقی شبکه‌های مجازی به عنوان ماترک. مطالعات حقوقی

فضای مجازی، ۴(۱۵)، ۱ - ۲۰

مقدمه

شبکه‌های مجازی زندگی بسیاری از مردم را متحول و مشغول کرده است، به نحوی که بررسی‌ها نشان داده‌اند، افراد روزانه حداقل سه ساعت از زمان خود را در این شبکه‌ها می‌گذرانند. با بررسی این آمارها، به اهمیت شبکه‌های مجازی در زندگی مردم پی خواهیم برد حتی فراتر از آن، دیگر مانند گذشته افراد تمایلی به انجام مبادلات و معاملات در محیط سنتی ندارند. آنها ترجیح می‌دهند به جای صرف وقت برای معاملات حضوری، به صورت آنلاین و مجازی تعهدات و مبادلات خود را انجام بدهند تا هم در وقت و هم در هزینه‌های خود صرفه جویی نمایند این موارد باعث می‌شود که افراد، همانطور که برای اموال، در محیط سنتی و فیزیکی اهمیت قائل بودند برای محیط مجازی نیز، بیش از آن ارزش و اهمیت قائل باشند. بررسی مالیت داشتن شبکه‌های اجتماعی، به این جهت مهم می‌باشد که موضوع ماترک واقع می‌شوند، لذا ابتدا مالیت داشتن باید اثبات گردد و سپس بحث ارث مطرح شود. در نهایت وقتی این اموال به درجه‌ای از ارزش می‌رسند که عرف برای آنها منفعت و ارزش قائل می‌شوند، بحث درخصوص مال بودن آنها مطرح خواهد شد. خوشبختانه کمتر شخصی امروزه در خصوص مالیت داشتن آنها تردید دارد. ناگفته نماند که، در نظام حقوقی ایران برخی به تبعیت از فقها، تاکنون اموال مجازی را به رسمیت نمی‌شناسند و در نظام قانونگذاری ایران، این موضوع در اکثر مصداق‌های اموال نوین، مورد پذیرش واقع نشده است. بعد از روشن شدن مالیت داشتن شبکه‌های مجازی، قرارگیری آنها در ماترک متوفی یا همان ارث این شبکه‌ها نکته‌ای است که موضوع اصلی پژوهش حاضر خواهد بود؛ که کمتر کشور و قانونگذاری به این موضوع توجه کرده است.

در نظام حقوقی ایران، ارث‌بری این شبکه‌ها، بسیار مورد کم‌لطفی و کم‌توجهی قرار گرفته است، بنحوی که در آراء دادگاه‌ها، در خصوص شبکه‌های مجازی، اشاره و صحبتی صورت نمی‌گیرد و محققان نیز بعضاً به آن بی‌اعتنا بوده‌اند. اگرهم در این خصوص توجه‌ای صورت گرفته است، راهکاری که بتواند به راستی با توجه به قواعد و قوانین موجود در ایران، مفید واقع گردند، مطرح نشده‌اند. در قانون مدنی ایران، مال تنها به دو دسته اصلی منقول و غیرمنقول تقسیم شده است، این درحالی است که اموال مجازی، به خصوص شبکه‌های مجازی از ویژگی‌هایی متفاوت از محیط سنتی برخوردار هستند که امکان قرارگیری آنها را، در این تقسیم‌بندی پیچیده می‌گرداند. در فقه نیز موردی در این باره مطرح نشده است و حتی بسیاری از اندیشمندان حوزه حقوق با تکیه بر فقه سنتی با قطعیت، در شرف رد مال بودن این شبکه‌ها و اموال مجازی می‌باشند.

در این مقاله تلاش خواهد شد که ضمن اشاره‌ای کوتاه بر اصول کلی اموال، بررسی شود که آیا واقعا این شبکه‌های اجتماعی مال هستند یا خیر و نیز بیان خواهد شد که شبکه‌های مجازی چه ویژگی‌هایی را دارا می‌باشند که منجر به تمایز آنها از اموال سنتی می‌شود. در ادامه نیز بحث می‌شود که این شبکه‌ها به چه طریقی امکان قرارگیری به عنوان ماترک یا ارث را خواهند داشت. درکنار آن آراء دادگاه‌های برخی از کشورها نیز بررسی خواهند شد زیرا که در ایران این موضوع همانطور که بیان شد مورد توجه دقیق دادگاه‌ها نبوده است. در نهایت باتوجه به وضع موجود و ظرفیت‌های قانون مدنی ایران، راهکارهایی ارائه خواهند شد که هرکدام برحسب معایبی که دارند مورد ارزیابی واقع می‌گردند و از بین این راهکارها، تنها یک راهکار مورد توجه خواهد بود، آن راهکار نسبت به مابقی معایب کمتری دارد و منافع افراد را بیشتر تامین خواهد کرد. در این میان، گام‌هایی جهت اصلاح قوانین موجود و توجه به این موضوع مهم نیز پیشنهاد خواهد شد تا بدین طریق قانونگذار با دقت و اهتمام بیشتری به وضع مقررات متناسب با این محیط نوین اقدام بفرماید. با این حال، آنچه که در این پژوهش بیشتر اهمیت دارد و کم‌هزینه‌تر می‌باشد، استفاده از ظرفیت‌های کنونی برای حل این چالش است که این مسئله به لطف مسئولیت‌مدنی، قابل کنترل خواهد بود.

۱. بررسی مالیت و تبیین ماهیت شبکه‌های مجازی/اجتماعی :

برای بررسی امکان اثربری اموال الکترونیکی به خصوص شبکه‌های اجتماعی، در ابتدا نیازمند پذیرش و توجیه مالیت داشتن آنها هستیم در این قسمت در خصوص مفهوم مال، تبیین ماهیت اموال الکترونیکی و توجیه مالیت آن، با تاکید بر تبیین چیستی شبکه‌های اجتماعی، مباحثی مطرح خواهد شد.

۱.۱ تبیین مفهوم مال

مالکیت، ازجمله موضوعات مهم می باشد که از قدیم مورد عنایت بوده است. در واقع مالکیت بر روی مال واقع می شود. مال به نحوی تعریف شده است که گویی قابلیت تملک دارد و مورد خواست و علاقه انسان باشد (دهخدا، ۱۳۷۲: ۱۸۷). برخی فقها به ویژگی مفید بودن و رافع نیاز بودن آن اشاره کرده اند (بجنوردی، ۱۳۸۹: ۲۰)، برخی نیز از حیث عرف، مال را تعریف کرده و معتقدند معنای مال، عرفی است نه شرعی و باید آن ارزشی که عرف برای اشیاء قائل می باشد را بررسی نمود (محقق نراقی، ۱۴۱۵: ۱۴). در نظام حقوقی ایران برای این مفهوم ویژگی هایی چون مفید بودن، قابل معامله بودن (امامی، ۱۳۷۳: ۱۹)، ارزش اقتصادی داشتن، مشروع و مجاز بودن، قابلیت اختصاص به اشخاص، شخص و ملتی معین داشتن، رافع نیاز (کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۹)، قابل تقویم بودن را مطرح کرده اند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸: ۳۵). ویژگی ها و نظرات مختلفی که در خصوص مال بیان شده است، مواردی می باشند که در مقالات و کتب اساتید بزرگ حقوقی مطرح شده و وجه مشترک این توضیحات، با ارزش بودن از نگاه عرفی می باشد. به نظر، آن ویژگی هایی که برای اموال در دنیای واقعی و سستی مطرح شد را می توان برای اموال مجازی به کار برد البته این نکته را نباید فراموش نمود که صرف اینکه این ویژگی را در هردو مشترک قرار می دهیم، بدین منظور نخواهد بود که اموال جدید در داخل تقسیم بندی مال در حقوق مدنی ایران قرار گیرند. با توجه به اینکه عرف برای آن اهمیت قائل می باشد و توسط عرف، گاه مورد معامله قرار می گیرد اما باز هم جزو دین و عین نخواهد بود. با این اوصاف، تعریف مال باید در قانون ایران باز تعریف شود و فراتر از مفهوم عین و دین باشد، بخصوص آنکه امروزه با رشد فناوری و ابزار های ارتباطاتی، روشن است که خیلی از موارد دیگر، فراتر از اموال سستی و کلاسیک می توانند مال تلقی شوند. گویی فناوری های دیجیتال به بخش جدایی ناپذیری از زندگی انسانها تبدیل شده است. ۱. بررسی ها نشان می دهد که روزانه حداقل سه الی چهار ساعت از فعالیت های خود را در محیط های مجازی و به صورت آنلاین انجام می دهیم (Henderson, 2024). ۲. مارک زاکربرگ، مدیرعامل فیس بوک، بیان می دارد که فضای مجازی به گونه ای طراحی شده است تا در خط مقدم پیشرفت ها باشد، اشخاص مختلف می توانند درحراجهایی که به صورت آنلاین فعالیت می کنند، شرکت کرده و معاملات خود را انجام دهند. ۳. فیرفیلد، ازاولین کسانی می باشد که معتقد بود، باید یک نظام قانونی مستقلی برای این اموال در نظر گرفت (Yee fen Lim, 2009: 1053-1073). با توجه به تحولات ذکر شده، تعریفی که در حال حاضر با در نظر گرفتن تحلیل اقتصادی حقوق بتواند راهگشا باشد این است که مال، مجموعه حقوقی است که متعلق مالکیت قرار می گیرد و مالکیت بر روی آن استوار می گردد، در واقع مال، حقی برای اشخاص ایجاد کرده و اشخاص حاضر هستند بابت آن عوضی پرداخت کنند که نمونه رایج این عوض، پول است. دراصل امروزه، انتفاع بردن از مال و عینی و دینی بودن آن مطرح نیست، آنچه که بسیار اهمیت دارد، ارزش مبادله ای مال است. با توجه به این تعریف حتی اموال فکری نیز یک نوع مال هستند، قابلیت رهن دارند، و دیگر چالش عینی و دینی بودن، وجود نخواهد داشت و اموال مجازی هم متعاقباً، مشمول این تعریف خواهند بود. لازم به ذکر است که، پژوهش حاضر درخصوص اموال فکری نمی باشد و صرفاً بابت تبیین بیشتر، این مصداق آورده شد. برای توجیه بهتر مالیت داشتن اموال مجازی در ابتدا نیازمند تبیین ماهیت آنها هستیم که در ادامه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

¹ (Dyanlenko.j.(n.d)America vs apple google facebook and amazon adsider.com)

² (Henderson.G.(Feb19,2024). How much time does the average person spend on social media? www.digitalmarketing.org).

³ (Feuer.w.(januvary9.2021).cnbc / www.cnn.com).

۱،۲ چستی اموال الکترونیک و شبکه‌های اجتماعی (مجازی)

مواردی همچون فضای سایبری، فضای مجازی، اموال دیجیتال و اموال الکترونیک با وجود تفاوت‌های لفظی، مفهوم تقریباً یکسانی را دارا می‌باشند و هدف مقاله حاضر بیان تفاوت بین این مفاهیم، نخواهد بود اما نظرات و تعاریفی را از اصطلاحات فوق برای تبیین بهتر چستی این اموال بیان می‌داریم. اصطلاح فضای مجازی با فضای سایبری در تعریف یکسان بیان شده است و مطرح می‌شود که فضای سایبری، تعبیر دقیق تری از فضای مجازی است. فضای سایبری، دراصل به مجموعه‌هایی از ارتباطات انسانها از طریق کامپیوتر و وسایل مخابراتی، بدون در نظر گرفتن مکان فیزیکی گفته می‌شود. از سوی دیگر، بیان شده است که اموال و مالکیت مجازی، شامل اشیاء غیر لمسی مانند نام‌های دامنه و آدرس‌های درگاه‌های اینترنتی هستند و در واقع این مفهوم، شامل مالکیتی که در درون دنیای مجازی وجود دارند نیز می‌باشد. فضای مجازی محیطی است غیر فیزیکی، غیر ملموس و موجود در فضای شبکه‌های اینترنتی که در این فضا، تمام اطلاعاتی که به صورت ملموس در جهان خارج وجود دارند، در یک فضای مجازی به صورت دیجیتالی نیز وجود داشته و قابل استفاده بوده و در دسترس استفاده کنندگان و کاربران می‌باشد. می‌توان بیان داشت که در واقع، واژه مجازی را توصیفی می‌دانیم برای فناوری دیجیتال و الکترونیک که شبکه به هم پیوسته جهانی اینترنت را تشکیل می‌دهد (پناهی، الماسی، شمس، محمدطاهری، ۱۳۹۹: ۳۸-۲۳). تفاسیر دادگاه‌های خارجی در آراء خود از اموال دیجیتالی، شامل محتویات غیرمادی می‌باشد که نمونه اعلاء آن شبکه‌های اجتماعی است.^۱

در یک تعریف عام، به تمامی اموال و متصرفات الکترونیکی که شخصی ممکن است داشته باشد، شبکه اجتماعی می‌گویند از جمله حساب‌های کاربری مجازی و آنلاین (Brain, 2013). عده ای نیز، دامنه آن را به حساب‌های کاربری درایمیل و دیگر شبکه‌های ارتباطی الکترونیکی مرتبط می‌کنند (Chen, 2019: 102-121). در یک بیان وسیع و مطلق می‌توان بیان داشت که به تمامی اشیایی که به صورت دیجیتال و الکترونیکی وجود دارند، از جمله وب سایت‌ها، فایل‌های کامپیوتری، و حتی شبکه‌های مجازی (Ott, Schäfer, 2009: 42-58) دارای مجازی می‌گویند. تعریف دیگری از دارایی دیجیتال، نسبتاً عام بوده و شامل هر چیزی است که به صورت دیجیتال وجود داشته و دارای حقی جهت استفاده و بهره‌وری باشد. در واقع در بردارنده دارایی‌هایی است که در ابزارهایی مانند لپ‌تاب، موبایل و... وجود دارد، بدون اهمیت داشتن آنکه دستگاه‌های مورد استفاده فیزیکی و ملموس اند. در معنای بسیار وسیع‌تر، لپ‌تاب، تلفن همراه و نیز شبکه‌های اجتماعی، از ابزارها و وسایل دیجیتال و الکترونیکی به شمار می‌آیند.^۳ در نهایت واژه‌هایی مثل الکترونیک، دیجیتال یا اینترنتی را می‌توان در معنای مشابه هم به کاربرد، باید در نظر داشت که مقصود این مقاله، دارایی‌های الکترونیکی است که در فضای مجازی و با استفاده از ابزارهای الکترونیکی قابل بهره‌برداری اند و شامل تعهدات متوفی و حقوق مالی‌ای است که برای او، در این بستر در زمان حیات به وجود آمده است، در نتیجه همانطور که بیان شد، تفاوت عمیقی بین این اصطلاحات نیست و به طور کلی هر حقی که در این بسترها به وجود آمده باشد و دارای ارزش مبادله‌ای باشد شامل اموال الکترونیک می‌شود. خود این بسترها نیز، حقی را به وجود می‌آورند که از نظر مالی، ارزشمند بوده و از حیث عقلانی، قابل مبادله اند حتی اگر از حیث قانونی با محدودیت‌هایی مواجه باشند.

از آنجا که تاکید پژوهش حاضر بر شبکه‌های اجتماعی است لذا اشاره ای بر آنها به عنوان یک مال مجازی، خالی از لطف نخواهد بود. تعاریفی در جسم‌های مختلف اما با روح یکسان، از خود شبکه‌های اجتماعی یا همان شبکه‌های مجازی وجود دارد، از جمله اینکه شبکه اجتماعی یا سوشال مدیا،^۴ یک فناوری مبتنی بر تعامل است که به افراد مختلف اجازه می‌دهد تا فکرها، حرف‌ها، ایده‌ها و اطلاعات خود را، از طریق زیرساخت‌های ارتباطی مجازی یا الکترونیکی مثل اینترنت به اشتراک

1 (Cenveo corp.v.celum solutions software gmbh and co.504 f.supp.2d574.576(d.minn.2007): Perloff v. stein. No 10-1758.2011 wl 666167.at 1(e.d.penn.2011)).

2 https://www.huffpost.com/archive/ca/entry/what-happens-to-your-digital-assets-when-you-die_b_2606822

3 <https://motamem.org>.

4 Social media.

بگذارند. امروزه غالب شبکه‌های مجازی بر بستر اینترنت فعالیت می‌کنند فلذا تعاریف مختلفی از شبکه مجازی وجود دارند، از جمله مهم‌ترین آنها عبارتند از:

ابزاری که به کاربران در بستر اینترنت، امکان برقراری تعامل و ارتباط را می‌دهد. این تعامل می‌تواند شامل ارسال فایل، متن، ویدئو و عکس باشد. چنین کاربرانی از طریق کامپیوتر، تبلت و تلفن همراه می‌توانند به شبکه‌های مجازی دسترسی داشته باشند.^۱ به نوعی در این تعریف، شبکه اجتماعی یک بستر و پلتفرمی می‌باشد که افراد به واسطه آن و با اتصال به اینترنت با یکدیگر تعامل می‌کنند. در تعریفی دیگر نیز بیان شده است که شبکه‌های مجازی در مفهوم عام و کلاسیک، مجموعه‌ای از گروه‌هایی می‌باشند که برهم مرتبط اند و ایجاد کننده گروه‌های انسانی و اجتماعی می‌باشند.^۲ به طور کلی، باید بیان داشت که مقصود از شبکه‌های اجتماعی یا شبکه‌های مجازی در این مقاله، آن بسترها و پلتفرم‌هایی است که عامل ارتباط افراد با یکدیگر، بدون محدودیت جغرافیایی و زمانی به وسیله اینترنت می‌باشد. این بسترها گروه‌های اقتصادی و اجتماعی ایجاد کرده و زمینه انجام معاملات را در درون خود فراهم می‌کنند، گویی فراتر از برقراری ارتباط با الفاظ و متون هستند و از قضا این الفاظ و متون، تبدیل به ابزاری برای برقراری مذاکره و انجام فعالیت‌های اقتصادی شده‌اند و این مسئله بیش از پیش، بررسی ابعاد مختلف این شبکه‌ها، بخصوص بعد اثربری آنها را ضروری می‌سازد، در نتیجه برای امکان سنجی اثربری این اموال به عنوان قسمتی از ماترک، باید ویژگی و تمایزات آن با اموال سنتی روشن گردد که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

۱.۳ بیان ویژگی‌ها و توجیه مال بودن شبکه‌های مجازی

درخصوص مال بودن این شبکه‌ها، عده‌ای مدعی یکسان انگاری می‌باشند و سعی در یکسان انگاری مالکیت موجود در نظام‌های حقوقی با مالکیت مجازی می‌نمایند (Chen, 2019: 102-121) البته می‌توان ایرادی را بر این نظر بیان داشت، از جمله آنکه با توجه به نیازهای روز دنیا، این محیط‌ها را مال محسوب می‌کنیم اما آنها در عین دارا بودن ویژگی‌های مشترک با اموال سنتی، ویژگی خاص خود را نیز دارا می‌باشند و نمی‌توان آنها را محدود به قوانین موجود نمود، خصوصا در ایران زیرا قانون مدنی به سالیان قدیم برمی‌گردد، به زمانی که وجود چنین اموالی قابل تصور نبوده است، پس این نظر مردود می‌باشد. از جمله ویژگی‌های مطرح شده برای این اموال عبارتند از: دارای ویژگی رقابت (قابلیت منع کنندگی)، پایداری و ارتباط کامل (Fairfield, 2005: 1047-1050).

(۱) رقابت: بدین معنا که مالک، حق تملک، حذف، و هر نوع حق مشروع دیگری را نسبت به این اموال دارد، گویی او می‌خواهد در بهره جویی از مال خود با مالکان دیگر رقابت کند و به نوعی تنها مالک است که، می‌تواند در حساب خود، در فضای مجازی فعالیت کند و دیگران را از دخل و تصرف در آن، حسب مورد منع کند. مانند محیط فیزیکی، افراد این حق و اختیار را خواهند داشت که اجازه بدهند از وسایل و اموال آنها استفاده کنند.

(۲) پایدار بودن: به این معنا که اشخاص از این جهت که شبکه‌های مجازی در اختیارشان است، خیالشان راحت خواهد بود به گونه ای که هر وقت بخواهند وارد حساب کاربری خود می‌شوند و هر زمانی که وارد شوند، آن حساب با آخرین تغییراتی که توسط کاربر اعمال شده است، باز می‌شود و خیال کاربر، بابت بقای حساب راحت خواهد بود. به نوعی ثبات در مالکیت، موضوعی است که در خصوص اموال فیزیکی نیز، مشاهده می‌شود. ثبات باعث تضمین سرمایه گذاری بر روی این شبکه‌ها خواهد شد. چالشی در این خصوص می‌توان مشاهده کرد، درعالم مجازی کدهایی وجود دارد که اگر غیر فعال شوند، ارتباط کاربر با حساب و به نوعی دارایی اش قطع می‌شود و برخی بر این اساس بیان نموده اند که این چالش، برخلاف ویژگی‌هایی خواهد بود که برای اموال فیزیکی قائل می‌باشیم زیرا در آنها ارتباط شخص با مال قطع نمی‌شود مگر با انتقال، اعم از انتقال

^۱ (www.Fanavari.com).

^۲ https://motamem.org.

قهري يا قراردادى. در نقد اين نظر مى توان بيان داشت، دركنار مزايابى كه اين محيطها دارا مى باشند، چالش هاىي نيز وجود دارد و بايد بيان نمود كه اين اتفاق در فضاى رايانه اى متعارف مى باشد و اگر اين اتفاق رخ دهد، موضوع رقابت شكل مى گيرد يعنى هرسازنده اموال و شبكه هاى مجازى، تلاش مى كند به نحوى برنامه بسازد كه كمترين ايراد و چالش را براى کاربران در برداشته باشد و اين خاص جهان رقابتى امروز است و در نتيجه تمايل و رغبتمردم نسبت به شبكه هاىي افزايش مى يابد كه كمتر خطا داشته باشد و كمتر دچار مشكل شود، اين اتفاق ضمن آنكه موجب بهبود بسترهاى الكترونيكى مى شود، منجر به حذف شبكه هاىي مى شود كه در آن، سيستمها ثبات ندارند و از ريسك عملياتى بالايى برخوردار هستند. در نهايت رقابت بين سازندگان اين بسترها، منجر به بهبود اين شبكه ها مى شود و آنجاست كه به سليقه كاربر احترام گذاشته شده و متعاقبا، پيش بينى شرايطى براى ارث بردن از اين شبكه هاى مجازى مطرح خواهد شد.

(۳) ارتباط متقابل: بدین معنا که از یک طرف این دارایی به یک ارائه دهنده خدمات مربوط می شود و به نوعی ارتباط و برخورد منافع کاربر و ارائه دهنده خدمات مطرح می باشد، از طرفی دیگر این ارتباط کامل به ارتباط و تعامل با اشخاص دیگر مربوط می باشد. در واقع مقصود، برقراری ارتباط با دیگران است یعنی این شبكه ها و اموال، بستری برای تعامل با دیگران خواهند بود (Blazer, 2006: 137-161). از طریق این بسترها کاربر از یک طرف با ارائه دهنده خدمات یا همان اپراتور روبه رو است، از طرف دیگر در ارتباط و تعامل با کاربران دیگر خواهد بود. به راستی كه دو ویژگی اول، مشابه ویژگی های موجود در اموال سستی می باشند اما ویژگی سوم، در اموال سستی مشاهده نمی شود. در عالم فیزیکی با استفاده از یک مال، چه ارتباطی با دیگران می توانیم برقرار کنیم و چگونه خواهد بود؟ فلذا این ویژگی در اموال فیزیکی وجود نخواهد داشت، به عنوان مثال، شخصی با داشتن یک خانه و به وسیله آن، با افراد مختلف و همسایگان خود آشنا می شود و ارتباط می گیرد اما به راستی از این حیث، نمی توان توجیهی برای این ویژگی در دنیا و اموال واقعی قائل شد. هنگامی كه خانه ای خرید و فروش شود، ارتباط مال با مالك قبلى قطع شده و به مالك جدید منتقل می شود در نتیجه اموال در عالم فیزیکی و سستی، در ارتباط با اشخاص دیگری نخواهند بود. می توان این گونه پنداشت كه هر مالی در برابر اشخاص دیگری قرار بگیرد ارزش می يابد و بايد منافع يك شخص در برابر مال و منافع شخص دیگری قرارگیرد تا آن منافع و مال ارزش يابد اما این نکته، صرفا يك وجه از ارتباط متقابل است. در دنیای مجازی و الكترونيك ما با ميليون ها كاربر روبه رو هستيم و در عين حال ارائه دهندگان خدمات نيز از قدرت ها و اطلاعاتی برخوردار هستند كه همه کاربران، تاب مقابله و دفاع از خود را در برابر آن ندارند و اینجاست كه نیاز به چارچوبی برای احقاق حق آنها، پس از فوتشان پیدا می کنیم. با این اوصاف و تعابیر، اموال مجازی نيز در این ویژگی تا حدی مشابه با اموال فیزیکی خواهند بود، لذا می توان این ویژگی ها و شباهت ها با اموال فیزیکی را توجیهی برای مالیت داشتن و اهمیت یافتن اموال مجازی، در شرايطی كه در نظام كنونی ایران، مقرره خاصی وجود ندارد، دانست البته ناگفته نماند كه شباهت این ویژگی ها به معنای انگاری این دودسته اموال با يكديگر نخواهد بود.

عده ای، ویژگی های دیگری برای اموال مجازی قائل اند از جمله نداشتن شكل مادی، دارا بودن ارزش های خاص اقتصادی، فرهنگى، شناختی و يكپارچه بودن (Juhász, 2024: 547-563). در خصوص ویژگی اول، نداشتن شكل مادی صرفا مربوط به این اموال نبوده بلكه شامل اموال فكری كه حاصل تراوشات ذهنی افراد هم هست، می باشد. در ویژگی دوم، هر مالی ویژگی خاصی دارد و با توجه به ویژگی خاص خود ارزش های مختلفی نيز دارا می باشد اما ویژگی سوم به نظر خاص این اموال است زیرا يكپارچه بودن دارایی ها كه با استفاده از ابزارهای فنى و فناوری اطلاعات (ديجيتالى و الكترونيكى) قابل دسترس باشند مربوط به اموال دیگر، نخواهد بود و به نظر، این يكپارچگی در اموال مجازی و دسترسی به آن ها از طریق بسترهای مجازی، خاص این اموال خواهند بود.

در نتیجه، با در نظر گرفتن این ویژگی‌ها، می‌توان این گونه بیان داشت که اموال مجازی در عین حال که ویژگی‌های خاص خود را دارا هستند، یکسری شباهت‌ها با اموال فیزیکی دارند که در قسمت فوق توضیحات لازم داده شد. آنچه که حائز اهمیت می‌باشد، صدق تعریف اقتصادی و مدرن مال است که هر دو دسته اموال را در بر می‌گیرد، تعریفی که جامع بوده و هر آنچه حقی برای افراد ایجاد کند که آن حق ارزش مبادله‌ای داشته باشد را شامل می‌شود، در عین حال که مانع ورود مفاهیم دیگری می‌شود که حق مالی نبوده و ارزش مبادله‌ای ندارند. در واقع این خلاء محدود به ارث نمی‌باشد و حوزه‌هایی مانند رهن اموال الکترونیکی نیز مطرح می‌باشد که چالش‌های خاص خود را داراست فلذا در خصوص قابلیت رهن آنها نیز تردید وجود دارد اما با این تعریفی که ارائه شد، عین بودن، دین بودن و انتفاع بردن، ملاک مالیت داشتن نخواهد بود بلکه حق مالی ایجاد کردن، قابلیت و ارزش مبادله‌ای داشتن مطرح خواهد شد. فلذا مانعی برای ارث‌بری و قابلیت رهن وجود نخواهد داشت در نتیجه، با استناد به این تعریف و ویژگی‌ها، مالیت این اموال توجیه خواهد شد. سپس با این اوصاف می‌توان بیان داشت که در نهایت، در خصوص اصل مال بودن این شبکه‌ها و دارایی‌های الکترونیکی، کمتر شک و تردید وجود دارد (بهمن پوری، شادمانفر، پورغلامی فراشبندی، ۱۳۹۳: ۲۳۱-۲۴۴). آیت الله مکارم شیرازی می‌فرماید سرقت به هر حال حرام است و اگر اطلاعی باشد که جنبه مالیت دارد و در عرف عقلای امروز خرید و فروش می‌شود، اجرای حد سرقت بعید نیست. (مجله قوه قضاییه، ۱۳۸۲: ۸). در قانون مدنی ایران نیز مورد معامله باید مالیت داشته و متضمن منفعت عقلانی مشروع باشد. (ماده ۲۱۵ ق.م.ایران) در لایحه حمایت از مالکیت فکری ایران، تبصره ۲ از ماده ۲ آن، نرم افزارها در حکم مال دانسته شده‌اند، اگرچه در حکم مال بودن نمی‌تواند عین مال بودن را تداعی کند و نشانه محتاط بودن قانونگذار است، با این حال توجه قانونگذار به این مسئله، یک‌گام بزرگ در جهت پذیرش مال بودن شبکه‌های اجتماعی می‌باشد. در نهایت می‌توان گفت حتی با اینکه در قانون مدنی و نظام حقوقی ایران، حمایتی در خصوص این اموال دیده نمی‌شود و صرفاً اشاراتی ضعیف به آنها شده است اما، این شبکه‌ها از جمله مواردی هستند که هم متضمن یک منفعت عقلانی و عرفی‌اند و هم برآورده کننده نیازهای مردم، پس مال هستند و باید مشمول قوانین ارث بشوند اما همانطور که بیان شد به دلیل عدم حمایت قانونگذار با چالش‌هایی در این خصوص رو به رو خواهیم بود که راهکارهایی در بخش‌های آتی ارائه خواهد شد.

حال که مسئله مال بودن شبکه‌های مجازی مشخص شد و تعریفی از این شبکه‌ها ارائه شد، به ارائه راهکارهایی برای قابلیت قرارگیری این اموال در ترکه و به تبع آن امکان ارث‌بری این شبکه‌ها خواهیم پرداخت.

۲. امکان سنجی ارث بردن از شبکه‌های مجازی، بررسی موردی ضوابط برخی از پلتفرم‌های پرکاربرد در ایران:

با توجه به تعریفی که از مال ارائه شد، توجیهات و دلایلی را نیز در خصوص مالیت داشتن شبکه‌های مجازی مطرح نمودیم. اکنون نوبت آن است که با توجه به این تعریف و توجیهات ارائه شده، امکان سنجی ارث‌بری این شبکه‌ها بررسی گردد، ضمن آنکه برخی از شبکه‌های مجازی پرکاربرد نیز از حیث اینکه آیا در خصوص ارث‌بری، اشاره‌ای در آنها صورت گرفته است یا خیر، بررسی خواهند شد.

۲.۱ امکان ارث‌بری شبکه‌های مجازی / اجتماعی

در این قسمت، ارث‌بری این اموال توسط ورثه کاربر، بررسی خواهد شد. در قوانین ایران تا حدودی حمایت‌هایی برای طراح و سازنده این شبکه‌ها وجود دارد. از حیث اصل حمایت کردن از پدید آورندگان آنها، ابهام کمتری دیده می‌شود اما در خصوص استفاده‌کنندگان یا به عبارتی کاربران، حمایتی دیده نمی‌شود که از جمله آن حمایت‌ها، ارث‌بری است.^۱

^۱ قانون حمایت از پدید آورندگان نرم افزارهای رایانه ای مصوب ۱۳۷۹، قانون تجارت الکترونیک مصوب ۱۳۸۲ و در لایحه حمایت از مالکیت فکری، اشاره ای در این خصوص صورت گرفته است (لایحه حمایت از مالکیت فکری وصول شده در تاریخ ۱۳۹۳ ماده ۲ بند ۱۳ تبصره ۲).

گسترش فزاینده دارایی‌های مجازی و فراوانی آنها، این ظرفیت را ایجاد می‌کند که به نسل‌های بعدی منتقل شوند و صرف داشتن پسورد یا رمز عبور برای این حساب‌ها، نمی‌تواند مانع انتقال آنها بشود، باید در نظر داشت، در این حین احتمال نقض حریم خصوصی وجود خواهد داشت (Davydova, Didenko, Tomina, 2021: 1-26). مستندات آن در ماده ۳۰۶ قانون مدنی اکراین مشاهده می‌شود. در این قانون بیان شده است که در صورت فوت شخص حقیقی، انتشارکننده اطلاعات و استفاده کنندگان از آن، فرزندان و همسر او خواهند بود و در صورتی که در قید حیات نباشند، پدر و مادر و یا خواهر و برادر متوفی ذیحقی خواهند بود. در این قانون به روشنی ارث بردن این شبکه‌ها، مورد توجه قرار گرفته است. در منشور سازمان ملل متحد در ۱۵ اکتبر ۲۰۰۳، نیاز به ذخیره سازی موارد دیجیتالی و الکترونیکی، برای نسل‌های آینده مطرح شده است. طبق قانون آیداهو و اکلاهاما نیز، اقوام متوفی می‌توانند به اشیاء و اموال مختلف مانند وبلاگ‌ها، ایمیل‌ها، صفحات اجتماعی و... دسترسی یابند و حق ذخیره سازی اطلاعات را خواهند داشت.

همانطور که بیان شد، شبکه‌های مجازی از سوی ارائه دهنده‌ای در اختیار کاربران قرار می‌گیرد و کاربران با ساخت یک حساب در آنها و انجام دادن فعالیت‌هایی، باعث معنا پیدا کردن این شبکه‌ها می‌شوند (Xiaying, Ke, 2015: 256-282). زمانی که در یک شبکه اجتماعی، حساب یا اکانت^۲ باز کنیم، یکسری قوانین و مقرراتی به نمایش گذاشته می‌شود که در اصل متضمن توافق و قراردادی با ارائه‌دهنده خدمات می‌باشد و جهت استفاده از این شبکه‌ها نیازمند پذیرش این توافقات خواهیم بود. این قرارداد اختصاراً EUAL نامیده می‌شود^۳ و نوعی قرارداد الحاقی است که شرایط آن توسط ارائه‌دهنده خدمات، ازپیش تهیه شده و مفاد آن برکاربر تحمیل می‌شود. توجه کاربران معمولاً به این شرایط کم می‌باشد، زیرا که یا با فونت بسیار ریز نوشته شده اند و یا اصطلاحات تخصصی، در آنها به کار رفته است که کاربران عادی، با این مفاهیم آشنا نبوده و درک دقیقی از آن ندارند، گاهی ممکن است از مطالب حقوقی در این توافقنامه‌ها به نحوی نام برده شود که درک آن برای عرف جامعه راحت نباشد ()، در ضمن بعضاً بندهای این قراردادها آنقدر طولانی می‌باشند که مطالعه آنها از حوصله کاربران خارج خواهد بود. نکاتی که مطرح شد، از مصادیق غیرمنصفانه بودن می‌باشند و در مواردی مبطل عقد خواهند بود، چرا که به ضرر مصرف کنندگان هستند. طبیعی است در چنین قراردادهای تحمیلی‌ای، در اکثر موارد شرایطی برای بعد از مرگ پیش بینی نشده باشد. با وجود معایبی که این نوع قراردادها دارا می‌باشند و ممکن است ضرری را برکاربران تحمیل نمایند، عموماً در آراء دادگاه‌ها مورد حمایت واقع می‌شوند.^۴

چند اصل برای مطلوب کردن و منصفانه کردن شرایط توافقنامه به نفع کاربر قابل تصور است، چراکه از این طریق می‌توان ارث‌بری شبکه‌های مجازی و توجیه قرارگیری آنها در ماترک را در این توافقنامه‌ها مورد استفاده قرارداد:

الف) اصل عینی بودن / اصل تفسیر بر مبنای عرف: همانطور که مطرح شد در غالب موارد، ممکن است که الفاظ و عبارات به کار رفته شده در توافقنامه پیچیده به نظر آیند، در نتیجه اصلی مطرح شده است تحت عنوان اصل عینی بودن که برابر است با ماده ۲۲۴ قانون مدنی ایران که بیان می‌دارد، الفاظ عقود محمول اند بر معانی عرفیه بدین منظور که الفاظ را متناسب با فهم عموم تفسیر کنیم، این اصل منجر به کنترل غیر منصفانه بودن بندهای قرارداد می‌شود و مانع سوء استفاده از کاربران به وسیله کلمات و اصطلاحات تخصصی می‌شود. در حقیقت اگر عرف انتقال قهری این شبکه‌های مجازی را بپذیرد نمی‌توان با الفاظ پیچیده در موافقت نامه‌های این شبکه‌های مجازی، مانع ارث‌بری شد.

¹ Oklahoma and Idaho.

² Account.

³ End user license agreement.

مواردی که کاربر در هنگام استفاده از یک نرم افزار باید بپذیرد ونحوه استفاده از آن را قبول کند

^۴ همچنین ببینید

(e.g., Register.com, Inc. v. Verio, Inc., 2004 & Cairo, Inc. v. Crossmedia Servs., Inc., 2005 & Van Tassell v. United Mktg. Grp., 2011 & Ajemian v. Yahoo!, 2013, pp.606-615.)

ب) اصل مخالف / اصل تفسیر به نفع طرف ضعیف تر: برطبق قانون قراردادهای چین در ماده ۴۱، اگر الفاظ و اصطلاحات موجود در توافقنامه ها و عقود، دارای معانی چند گانه و مشکوکی باشند باید بر علیه ارائه دهنده خدمات تفسیر شوند و به نفع طرف ضعیف تر (کاربر) باشند در ماده ۴۵ قانون تجارت الکترونیک ایران نیز حمایت از مصرف کننده به همین شکل بیان شده است. لذا می توان از این طریق، از مورث بابت به ارث رساندن حساب های مجازی و محتوای خود حمایت نمود.

ج) اصل تفسیر مضیق: وقتی در توافقنامه صحبت از عدم انتقال می شود، در مواردی ارائه دهنده و یا سازنده این پلتفرم ها برای حفظ امنیت حساب ها و جلوگیری از ساخت حساب های فیک و غیر اصل و جلوگیری از تجارت و سود آوری از این طریق، شرط عدم انتقال می گذارند. این درحالی است که در عرف، نقل و انتقال آن رایج است، به خصوص در ایران این کار بسیار رایج می باشد، زیرا که اکثر این حساب ها، متعلق به شبکه هایی است که سرور آن ها در خارج از ایران می باشد لذا این معاملات به راحتی قابل شناسایی نخواهند بود (Davydova, Didenko, Tomina, 2021: 1-26). عده ای معتقدند، باید اصل آزادی اراده را در توافقنامه در نظر بگیریم و باید به هر آنچه که توافق شده است احترام گذاشت. برخی دیگر معتقدند همچنان به نفع طرف ضعیف تر (کاربر)، قرارداد تفسیر شود البته اگر بخواهیم به نفع کاربر اقدام کنیم، شاید یک مسئله ای مطرح شود که عبارت است از آن که، کثرت معاملات و انتقالات، هزینه هایی را برای اپراتور به همراه خواهد داشت (Chen, 2019: 102-121) اما بر طبق اصل یا به تعبیر دیگر قاعده لاضرر، نباید ضرر اپراتوری که دارای سرمایه زیادی می باشد را بر ضرر میلیون ها کاربر ترجیح داد، به خصوص آنکه امروزه در تحلیل اقتصادی حقوق، اصل تخصیص بهینه ریسک وجود دارد، بدین معنا که اپراتور به دلیل توانایی و اطلاعات زیادی که دارد، بهتر می تواند اوضاع و احوال را کنترل کند و مانع ضرر و زیان کلان به خود شود. در نتیجه با توجه به اصل حمایت از طرف ضعیف تر، باید از کاربر به عنوان طرف ضعیف تر حمایت نماییم و در مواقعی که بحث حریم خصوصی متوفی در میان است (اصل ۲۲ و ۲۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران). اطلاعات و داده ها را به ورثه نباید منتقل نمود، زیرا که متوفی برای خود حریم خصوصی داشته و محترم است لذا نباید با فاش کردن اطلاعات شخصی او، حرمت او را خدشه دار کرد البته که بحث وصیت متفاوت خواهد بود. در واقع طبق اصل ۱۶۶ و ۱۶۷ قانون اساسی ایران و نیز ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی، احکام دادگاه باید مستند به اصول، منابع و فتاوی معتبر اسلامی باشد که شامل اصول فوق نیز می شود. در خصوص حریم خصوصی در صورت وجود وصیت، نباید مانع از انتقال به ورثه شد. درواقع مقصود ارائه دهندگان آن است که با توسل به حریم خصوصی، به کاربران زنده خود اطمینان بدهند که این حساب ها و داده ها پس از مرگ آنها همچون زمانی که زنده اند، مصون از دسترسی دیگران خواهد بود؛ چرا که اگر اطلاعات حساب های اشخاص را در اختیار دیگران قرار دهند، اعتبار آنها مورد تردید قرار خواهد گرفت و از درآمد آنها کم خواهد شد (میرشکاری، ۱۳۹۷: ۸۶-۷۱). فلذا لازم است که با حفظ حریم خصوصی، این حساب ها و داده های آنها را به ورثه منتقل نمود. در مقابل عده ای معتقدند که متوفی بعد از فوت، حریم خصوصی ندارد و از زمان فوت، دارایی هایی که مربوط به حریم خصوصی او می شود را با دارایی هایی که مربوط به آن نیست، یکی انگاشته و معتقدند، اصل بر حسن نیت ورثه است. از طرفی منفعت ورثه و حفظ مصالحشان را بر منافع متوفی که دیگر شخصیت حقوقی خود را از دست داده است، مرجح می دانند (Chen, 2019: 102-121). این دیدگاه، برخلاف دیدگاه الهی و اسلامی می باشد چرا که با تقلیل دادن انسان به موجودی صرفا مادی و دنیوی، معنویت، روح و حرمت او را نادیده می گیرند.

در نهایت برای حمایت از ورثه متوفی که در واقع قائم مقام او می باشند، می توان با توجه به تفسیر مضیق و به نفع طرف ضعیف تر در حالتی که محدودیت انتقال در قرارداد مشاهده می شود بیان داشت که، اولاً بر طبق عرف، انتقال قراردادی را برای این انتقال در نظر بگیریم و به این نوع انتقال مضیق نماییم تا بتوان اعمال انتقال قهری را توجیه نمود. ثانیاً به نفع مصرف کننده تفسیر کنیم و با ارائه یک تفسیر محدود، انتقال قهری از جمله ارث را از این محدودیت خارج کنیم، در نتیجه شرط عدم انتقال مانع از انتقال قهری نخواهد بود. با استناد به سه اصل مطرح شده، می توان ارث را در این توافقنامه ها گنجانده و یا تفسیر نمود. به نظر، در صورتی که خود متوفی وصیتی نموده باشد، نباید مانعی برای دسترسی به شبکه های مجازی قائل شد، همانطور که طبق قانون

چنین بیان شد، تعهداتی که کاربر را محدود و یا از حقوقش محروم کند، بی اعتبار انگاشته شده است (Xiaying, Ke, 2015: 256-282). در خصوص ارث بردن ورثه می توان بیان داشت که ارائه کنندگان شبکه های مجازی نباید مانع ارث بری ورثه گردند مگر اینکه شخص قبل از فوت، اظهار کند که این اطلاعات به دلیل مسائلی چون حریم خصوصی، نباید به دسترسی ورثه در بیاید. در نهایت، در صورت وجود توافقنامه ای بین کاربر و ارائه دهنده، مبنی بر عدم امکان انتقال، طبق موارد مطروحه در قسمت های فوق یا حسب مورد، لازم است که چنین شرط یا توافقی را باطل یا محدود به انتقال قراردادی دانست و نباید حقوق ورثه را محدود نمود. گاهی نیز قید مباشرت در استفاده از این شبکه ها شرط می شود، این بدین منظور است که، این حساب قائم به شخص خواهد بود و بعد از فوت، حساب بسته خواهد شد (فتحی، دادمرزی، ناصری دولت آبادی، ۱۳۹۶: ۱۵۲-۱۲۹). در این صورت نیز امکان باطل بودن شرط به دلیل مغایرت با منافع طرف ضعیف تر از جمله ورثه وجود خواهد داشت. در نتیجه، درحالتی که وصیتی موجود نیست، تا جایی که مغایر حریم شخصی متوفی نباشد، ورثه حق خواهند داشت این شبکه ها را به ارث ببرند. نباید مانع بهره مندی ورثه از زحماتی که متوفی در این شبکه ها انجام داده است، شد. ممکن است صاحب حساب، فعالیت های تجاری مختلفی در این شبکه ها انجام داده باشد، همانطور که امروزه، بسیاری از فعالیت های تجاری در مکان های فیزیکی و به صورت حضوری صورت نمی گیرند بلکه افراد تمایل دارند با صرف کمترین هزینه، به جای پرداخت اجاره یا خرید مغازه، در بستر شبکه های مجازی فعالیت کنند و محصولات خود را به فروش برسانند. به نظر با محدودیت ارث بری این شبکه ها، افرادی که به متوفی، سفارشات داده اند یا هزینه تبلیغات پرداخت کرده اند متضرر می شوند، این درحالی است که، ورثه می توانند با ابقاء فعالیت های تجاری متوفی در این بستر، هم به تعهدات متوفی عمل کنند و هم خودشان کسب درآمد کنند. چطور امکان دارد یک مغازه به ارث برسد ولی شبکه های اجتماعی که بستری جدید برای فعالیت های تجاری می باشند، به ارث نرسند؟ البته برخی افراد، با توجه به مهارت هایی که دارا می باشند مانند ساز زدن یا نقاشی کشیدن، دنبال کنندگان و طرفداران زیادی بدست می آورند در نتیجه مردم به خاطر مهارت و تخصص آنها، تبلیغاتی را به این افراد می سپارند یا گاهی اوقات، یک تابلو نقاشی خاصی سفارش می دهند. به روشنی در چنین حالتی، بعد از فوت شخص ماهر، حقی برای به ارث رسیدن باقی نخواهد ماند زیرا که این تعهدات و فعالیت ها، قائم به شخص می باشند. روشن است که در صورت ارث بردن نیز، ورثه مکلف به انجام چنین دیون و تعهداتی نمی باشند اما می توانند اصل هزینه طرف مقابل را از ماترک او پرداخت کنند. در این میان همچنین ترکه متوفی، باید کفایت دیون را بکند. در این فرض چون فعالیت های شخص، تخصصی بوده است شاید اگر آن حساب کاربری به ورثه منتقل شود، باعث شود که دیگر نتوانند ادامه دهنده راه متوفی باشند، لذا با تغییر فعالیت و شغل در حساب کاربری، ممکن است با ریزش شدید دنبال کنندگان و رکود کسب و کار در این صفحه کاربری روبه رو بشویم، چراکه این پیج^۱ (صفحه شبکه اجتماعی) تخصصی بوده است. این چالش برای این چنین فعالیت هایی وجود دارد اما درحالتی که فعالیت تخصصی و قائم به شخص نباشد، دیگر چالشی متصور نخواهد بود و قرارگیری این شبکه ها در ماترک را آسان تر می توان توجیه نمود.

۲.۲ بررسی موردی شبکه های مجازی

در این قسمت، هدف؛ بررسی موردی شبکه های اجتماعی پرکاربرد در ایران است، این پلتفرم ها حسب مورد داخلی یا خارجی هستند. در اینجا بررسی خواهد شد که آیا اصلاً توافقی مبنی بر ارث بری در این پلتفرم ها وجود دارد یا خیر و شرایط آن چگونه است.

الف) شبکه مجازی اینستاگرام: ^۲در توافقنامه و قسمت ضوابط اینستاگرام، مطرح شده است که کاربران حق خرید و فروش حساب کاربری خود را ندارند و اینستاگرام ادعایی بر مالکیت محتوای کاربر نخواهد داشت. از طرفی دیگر اینستاگرام به کاربر، نوعی مجوز استفاده از آن محتوا را خواهد داد و در این خصوص اشاره ای به ارث بری این شبکه ها صورت نگرفته است حتی بیان

^۱ Page.

^۲ (https://www.Help.Instagram.com).

داشته شده است که هنگام فوت کاربر، در صورتی که ورثه یا هریک از دنبال‌کنندگان درخواست نمایند، صفحه او درحالت "یاد بود" خواهد رفت و در این صورت، امکان هیچ تغییر و دسترسی‌ای به آن حساب وجود نخواهد داشت. این مورد، نشان از عدم حمایت چنین شبکه اجتماعی پرتعداد از کاربران دارد و تنها راه عدم بسته شدن حساب، آن است که کسی فوت را اطلاع ندهد و در جایی فاش نشود.

ب) شبکه مجازی بله: درخصوص ارث بری این شبکه‌ها اشاره ای صورت نگرفته است و درمقدمه توافقنامه و ضوابط آن، به حریم خصوصی اشاره شده است. البته بیان شده است که این پلتفرم، تابع قوانین ایران خواهد بود و هیچ قاعده روشن و مشخصی ذکر نشده است. به نظر همین موضوع که تابع قوانین ایران خواهد بود، می‌تواند ملاکی برای توجیه ارث‌بری این حساب باشد. بدین نحو که در بحث ارث نیز تابع قوانین ایران است اما در خصوص ارث‌بری این اموال و شبکه‌ها، خاصاً، راهکار و قانونی در ایران مشاهده نمی‌شود که بخواهد تابع آن باشد، لذا از طریق اصول و موادی که در قسمت‌های قبل بیان شد می‌توان در خصوص ارث بردن از این شبکه‌های مجازی، توجیهاتی را ارائه داد.

ج) شبکه مجازی ایتا: ۳ در این پلتفرم نیز ذکر شده است که این شبکه مجازی، تابع قوانین ایران خواهد بود. همچنین حریم خصوصی افراد مهم و حائز اهمیت دانسته شده است اما در اینجا نیز درخصوص ارث، اشاره ای صورت نگرفته است. در واقع باید به اصول حقوق و اقتصاد تمسک جست و با تفاسیری دقیق طبق موارد ذکر شده در قسمت‌های قبل، در این قسمت نیز دفاعیاتی را برای ارث‌بری این شبکه‌ها ارائه داد.

د) شبکه مجازی روبیکا: ۴ در این پلتفرم بیان شده است که، کاربر شخصا مسئول فعالیت‌های خود می‌باشد. این اپلیکیشن حقی برای خود قائل شده است، بدین نحو که روبیکا حق دارد در هرزمانی و به هرعلتی از ارائه خدمت به کاربر امتناع ورزد. این حقی که روبیکا برای خود قائل شده است، بسیار بحث برانگیز خواهد بود زیرا تهدید کننده آزادی‌های کاربر و به خصوص ناقض حریم خصوصی است. این اقدام منجر به بی اعتمادی به این شبکه اجتماعی می‌شود چرا که برای خود حقی گسترده، درخصوص عدم خدمت به کاربران مطرح کرده است. می‌توان بیان نمود که چون این شرط بر کاربر ضعیف تحمیل می‌شود، نادیده گرفته خواهد شد و باید تفسیر به نفع طرف ضعیف‌تر را مطرح کرد و این شرط را باطل دانست. نکته جالب توجهی که دراین خصوص بیان شده است این است که، کاربر درقبال تعهداتی که به دیگران دارا است مسئول خواهد بود حتی اگر از پلتفرم، خدمتی دریافت نکند و به نوعی از خدمت رسانی به او امتناع شود، باز هم مسئول است و این، با مسئولیت‌های خارج از قرارداد و دیگر موارد مطرح شده در قوانین ایران مطابقت دارد و مطلب جدیدی نخواهد بود.

درمواد ۵، ۶ و ۷ آیین‌نامه حمایت حقوقی از فعالیت پیام رسان‌های داخلی ایران مصوب ۱۳۹۷، مدیران و ارائه دهندگان موظف به حفظ حریم خصوصی افراد می‌باشند و نباید این اطلاعات را افشا کنند. در این آیین‌نامه نیز مبحثی جز بحث حریم خصوصی دیده نمی‌شود. در سند راهبردی فضای مجازی ایران نیز یکی از اهداف کلان، قاعده‌مندسازی دسترسی به فضای مجازی است که با تفسیر موسع می‌توان شامل قاعده‌مند کردن ارث‌بری از این شبکه‌ها نیز دانست، متأسفانه تاکنون اقدامی، در این مورد صورت نگرفته است (سند راهبردی جمهوری اسلامی ایران در فضای مجازی مصوب ۲۱ شهریور ۱۴۰۱).

باتوجه به مباحثی که مطرح گردید، دریافت می‌شود که قوانین و مقررات موجود، در خصوص ارث‌بری این شبکه‌ها دارای خلأ می‌باشند. با توجه به اینکه در غالب این شبکه‌ها ذکر شده است که، تابع قوانین موجود در کشور ایران هستند و با توجه به اینکه بیان شده است که حریم خصوصی دارای اهمیت می‌باشد، باید اظهار نمود که می‌توان این بیانات را مشمول ارث‌بری نیز، دانست

¹ Remembering.

² <https://www.Bale.ai>.

³ <https://www.Eitta.com>.

⁴ <https://www.Rubika.ir>.

اما به دلیل آنکه به روشنی تأکیدی بر این موضوع نشده است و قوانین ایران در این خصوص مبهم می‌باشند، باز هم با چالش روبه‌رو خواهیم بود.

۳. راهکارهای پیشنهادی برای ارث‌بری از شبکه‌های اجتماعی / مجازی با توجه به وضعیت حقوقی کنونی ایران و ارائه پیشنهادی برای قانونگذار

اکنون بررسی خواهد شد که چه راهکارهایی برای استفاده وراثت از این شبکه‌ها متناسب می‌باشند. همانگونه که مطرح گشت، شبکه‌های اجتماعی یا همان شبکه‌های مجازی امروزه نقش مهمی را در زندگی مردم ایفا می‌کنند و با توجه به خلاء های حقوقی و قانونی در کشور ایران، لازم است یکسری راهکار ها ارائه شوند تا این وضعیت مهم بلا تکلیف نماند. در میان راهکارهای زیر تنها یک راهکار کمترین ریسک و چالش را خواهد داشت. در پایان نیز، گام‌هایی برای قانونگذار پیشنهاد می‌شود که شاید در آینده مورد استفاده ایشان واقع گردد البته تصویب قانون زمان بر بوده و نیازمند فراهم شدن شرایطی می‌باشد اما در نهایت نیازمند حمایت قانونی خواهیم بود:

۳.۱ راهکارهای ارث‌بری با توجه به وضعیت حقوقی ایران

شش راهکار با توجه به ظرفیت‌های حقوقی، مد نظر پژوهشگران این مقاله قرارگرفت که تنها یک راهکار با توجه به وضعیت فعلی نظام حقوقی ایران، کم ایرادتر ظاهر شد. در ادامه به این راهکارهای پیشنهادی خواهیم پرداخت.

۳.۱.۱ تنظیم توافقنامه‌های کاربر و ارائه‌دهنده، تحت نظر نهاد تنظیم‌گر

توافقنامه‌هایی که بین کاربر و ارائه‌دهنده تنظیم می‌شود باید تحت نظر قرارگیرند و گزارش قراردادهای آنها توسط یک مرجع صالح بررسی شود. مرجع صالح نیز موظف خواهد بود که به حل و فصل اختلافات در این خصوص بپردازد تا ارائه‌دهندگان، شروط ارث را در درون توافقنامه های خود بگنجانند، زیرا که در ایران، قوانین مشخصی وجود ندارد و تنظیم این موافقتنامه‌ها تابع اراده افراد می‌باشد. برخی شروط بکار رفته در این موافقتنامه‌ها، به دلیل آنکه خلاف نظم عمومی و اخلاق حسنه می‌باشند، نمی‌توانند در قراردادهای مورد استفاده قرارگیرند، چرا که همانطور که ذکر شد، اصول حقوقی و اقتصادی با محدودیت ارث بری این شبکه‌ها در جایی که حریم خصوصی کم رنگ است تعارض دارد و با استناد به این اصول، چنین شروطی را می‌توان باطل تلقی کرد. در این خصوص می‌توان این ایراد را نیز مطرح نمود که، بسیاری از شبکه‌های مجازی معروف و پرکاربرد، متعلق به خارج از ایران بوده و نمی‌توان برای کشورایران چنین نظارت‌هایی را قائل شد. برای شبکه‌های داخلی ایرانی نیز این امکان وجود دارد تا نظارتی شکل گیرد اما در این راستا، نیازمند تصویب و تصریح مقررات و قوانین خاص و جدیدی می‌باشیم. علاوه بر مقررات‌گذاری در جهت تنظیم‌گری، به یکسری زیر ساخت‌های فرهنگی، حقوقی و اجتماعی به منظور آموزش مردم جهت آگاهی از حقوق خود مبنی بر ارث بری از شبکه‌های مجازی، نیازمند می‌باشیم لذا درعمل دشوار و هزینه بر است که از این روش استفاده کنیم.

۳.۱.۲ تنظیم قوانین و مقررات خاص

این راهکار بسیار مهم و مطلوب نظام‌های حقوقی‌ای که وابستگی شدیدی به مقررات‌گذاری در حیطه‌های مختلف دارند، می‌باشد. چراکه اگر قانونی درخصوص این اموال وضع گردد و همچون قانون مدنی ایران، ویژگی‌های این اموال و نحوه ارث‌بری آنها را مشخص نماید، بسیاری از چالش‌های ارث بری برطرف خواهد شد. در کشورهای غربی در این راستا نظریه‌ای تحت عنوان مالکیت جدید مطرح گشته اما این نظر مردود اعلام شده است (Li, Xiao, 2023:1785-1789). زیرا در این راستا از حیث تحلیل اقتصادی حقوق، نیازمند صرف هزینه و فرصت‌های زیادی برای ایجاد زیر ساخت‌های مناسب در خصوص تنظیم قانونی

خاص می‌باشیم اما در نهایت امر، نیاز به این حمایت و پشتیبانی قابلیت انکار ندارد. جهت روشن شدن بحث ارث‌بری از این حیث، در ادامه مقاله حاضر، گام‌هایی برای تنظیم قانونی کارآمد ارائه خواهد شد.

۳،۱،۳ حق انتفاع

می‌توان با استفاده از نظام حق انتفاع، برای متوفی یک حق انتفاع عمری قائل شد (قانون مدنی ایران ماده ۴۱ در این خصوص مقرر می‌دارد که: عمری حقی انتفاعی است که به موجب عقدی از طرف مالک، برای شخص به مدت عمر خود یا عمر متوفی و یا عمر شخص ثالثی برقرار شده باشد). گویی کاربر تا زمانی که زنده است، این حق را دارد که از این شبکه‌ها استفاده و کسب درآمد کند اما با فوت او این حق زایل خواهد شد، در نتیجه به ورثه منتقل نخواهد شد. مشکل آنجاست که، نباید مانع شد ورثه از این زحمات متوفی در طول حیاتش بی بهره بمانند. ممکن است سفارشات در بستر شبکه‌های اجتماعی توسط متوفی بر عهده گرفته شده باشد و در این راستا پولی واریز شده باشد، اگر قرار باشد همه اینها نادیده گرفته شوند، امنیت معاملات تضعیف می‌شود و دیگر افراد رغبت و انگیزه‌ای نخواهند داشت که در بستر فضای مجازی معامله نمایند زیرا هر لحظه ممکن است فروشنده فوت کند و سفارش مشتریان از بین خواهد رفت. این اتفاق، منجر به بالا رفتن هزینه معاملاتی و افزایش ریسک معامله خواهد گشت و حتی ورثه مکلف خواهند بود که پول واریزی را مسترد گردانند، چراکه تازمانی که دیون پرداخت نشده باشد، ورثه حق استفاده از ترکه را نخواهند داشت و باید تقصیر همه این اتفاقات، بر عهده ارائه‌دهنده خدمات قرارگیرد. اگر توجیه خود را در قالب حق انتفاع قرار ندهیم، ورثه، جانشین مورث خود می‌شوند و می‌توانند ادای دین و تعهدات او را به شیوه مناسب‌تر به جا آورند در نتیجه مردم نیز به معامله با روش‌ها و شیوه‌های جدید اعتماد بیشتری می‌کنند. اگر چنین محدودیت و حق انتفاعی وجود نداشته باشد، به عنوان مثال، الف سفارش لباس می‌دهد، حال صاحب مغازه فوت می‌کند و وقتی مغازه به ارث رسید بعد از تصفیه دیون، لباس سفارش داده شده به مشتری تحویل داده می‌شود که البته همین کار نیز انجام دین و تعهد است یا اگر پولی پرداخت شده و ورثه تصمیم به تعطیلی مغازه گرفتند، بتوانند آن پول را در کنار خسارت‌هایی که بابت تاخیر به مشتری وارد شده است، عودت دهند در اینجا دیگر خود ورثه طرف حساب مشتری خواهند بود و برای شرکت ارائه‌دهنده خدمات این‌گونه سود مندتر خواهد بود، چرا که این مغازه مجازی در یک شبکه اجتماعی به ارث رسیده و دیگر مسئولیتی متوجه ارائه‌دهنده یا اپراتور نخواهد بود.

۳،۱،۴ بکارگیری نظام سنتی اموال و مالکیت

برخی معتقدند که امکان ارث بری طبق قوانین موجود و همان نظام سنتی مالکیت وجود دارد اما باید در نظر داشت که این اموال باید بدلیل ارزش‌های عاطفی و بعضاً اقتصادی، قابل انتقال به نماینده متوفی و در صورت نبود او به ورثه باشند. ایرادی بر این راهکار می‌توان وارد نمود که نظام سنتی، وضعیت متفاوتی با محیط مدرن دارد و این یکسان‌انگاری همانطور که در قسمت‌های بالاتر نیز بیان شد، دقیق نخواهد بود. زیرا هر نظام مالی‌ای، اقتضای خاص خود را دارد. این معیار همچنین، از حق حریم خصوصی افراد حمایت نمی‌کند. لذا نیازمند یک معیاری جامع و متناسب با این نظام جدید اموال و مالکیت خواهیم بود (فتحی، دادمیزی، ناصری دولت آبادی، ۱۳۹۶: ۱۵۲-۱۲۹).

مطابق پرونده‌ای در آلمان، خانواده‌ای که تازه دختر خود را از دست داده بودند، از فیسبوک تقاضا کردند که بتوانند به برنامه‌ها و مکاتبات دخترشان دسترسی یابند، فیسبوک این اجازه را رد کرد. در نهایت دادگاه عالی با مقایسه اموال الکترونیکی با اموال سنتی، چنین مقرر نمود: همانطور که در اموال سنتی افراد می‌توانند برنامه‌ها و اطلاعات متوفی دسترسی یابند در اموال مجازی نیز همچنین حقی را دارا می‌باشند.^۱ این رای قابل نقد است، چرا که اولاً مقایسه دو نظام مالی و حقوقی سنتی و جدید اشتباه

^۱ BBC News (July 12, 2018). Facebook ruling: German court grants parents rights to dead daughter's account. <https://www.bbc.com/news/world-europe-44804599>).

می‌باشد زیرا همانطور که بیان شد، هرکدام ویژگی‌های خودشان را دارند. ثانیاً حفظ حریم خصوصی، در دنیای امروز بیش از پیش مورد توجه خواهد بود و همانگونه که در قسمت‌های دیگر مقاله بیان شد، باید تا حدی برای ارث بردن احترام قائل بشویم که تزاخم و تعارضی با حریم خصوصی افراد پیدا نکند.

۳,۱,۵ عقد امانت

عده‌ای معتقدند، امانت‌گذار همان کاربر و مالک حساب می‌باشد، در نتیجه پس از مرگ، حساب‌کاری او باید به ذینفعان متوفی مسترد گردد (Kutler, 2011: 1642-1670). این نظر نیز پذیرفته نخواهد بود چرا که تردید و اختلاف جدی ای در خصوص مالکیت کاربر بر این شبکه‌ها وجود دارد. باید حریم خصوصی متوفی نیز حفظ شود و اگر امانت را بپذیریم، ارائه‌دهنده این شبکه‌ها ممکن است به بهانه این که امین می‌باشند و اصل بر امانی بودن ید آنهاست و تعدی و تفریط نیازمند اثبات می‌باشد، به راحتی بتوانند از خود مسئولیت را سلب کنند. همچنین ارائه‌دهندگان می‌توانند دامنه اختیارات خود را در توافقنامه طوری تنظیم کنند که اختیارشان گسترده باشد که این راهکار به نفع ورثه نخواهد بود. در اصل این راهکار به دلیل آنکه مالکیت حساب را به کاربر می‌دهد و نیز به دلیل آنکه برای ارائه‌دهنده این شبکه‌ها یا اپراتور مسئولیتی محدود و در حد امین قائل می‌شود، مورد پذیرش و اقبال قرار نخواهد گرفت و مغایر اصل حمایت از طرف ضعیف‌تر و تخصیص بهینه ریسک در تحلیل اقتصادی حقوق خواهد بود.

۳,۱,۶ استفاده از مسئولیت مدنی

راهکار دیگری که با توجه به نظام حقوقی کنونی عملی تر و منطقی تر به نظر می‌آید، مسئولیت مدنی می‌باشد. این روش نه تنها تضمین کننده حریم شخصی است بلکه در صورت نادیده انگاشته شدن منافع ورثه و مشتریان متوفی، مسئولیت مدنی برای ارائه دهنده خدمات ایجاد می‌کند. بر این روش نیز نقد وارد می‌باشد اما به دلیل آنکه مقصود آن است که از حیث مسئولیت خارج از قرارداد این تعهد را برای ارائه‌دهنده قائل باشیم، معایب محتمل آن نسبت به شیوه‌های دیگر کمتر و مزایای آن بیشتر خواهد بود. مبنای مسئولیت مدنی علی القاعده تقصیر می‌باشد لذا باید سه رکن زیان، رابطه سببیت و تقصیر احراز گردد تا در صورت بسته شدن حساب و ورود زیان به ورثه، بتوان آن زیان را به واسطه ارائه‌دهندگان این شبکه‌ها جبران و مطالبه نمود. تقصیر را به سادگی نمی‌توان در این رابطه احراز نمود چرا که بر اساس قانون مدنی ایران، تقصیر اعم از افراط و تفریط است و در این حالت نمی‌توان به آسانی وجهی مبنی بر افراط و تفریط ارائه‌دهنده خدمات پیدا کرد، مشابه آنچه که در خصوص عاریه مطرح شد. لذا احسن آن است که برطبق نظریه خطر، مسئولیت مدنی را قائل باشیم (ملکوتی، ساورایی، ۱۳۹۵: ۱۴۷-۱۲۹). در حقوق مدنی ایران، امروزه نظریه خطر نسبت به تقصیر غلبه دارد (حسینی، ۱۳۹۷: ۱۱). چرا که با پیشرفت سریع تکنولوژی و پیدایش اشخاصی که دارای اطلاعات و قدرت بیشتری نسبت به اکثریت جامعه هستند، این نوع مسئولیت بیش از پیش ضروری به نظر می‌رسد. در این نظریه، اصل بر مسئولیت می‌باشد مگر آنکه خلافش ثابت شود و گویی از استثنائات مسئولیت مدنی خواهد بود، ۱ زیرا اصل مسئولیت مبتنی بر تقصیر است. بدین ترتیب، اگر ارائه‌دهنده شبکه اجتماعی یا شبکه مجازی قرار است، توافقنامه‌ای به نفع خود تنظیم کند و مواردی را بر کاربران، تحمیل نماید و اگر نظام سستی مالکیت و نیز ایجاد قانونی جدید در این خصوص دشوار و قابل نقد می‌باشد، پس باید از طریق مسئولیت مدنی با این مسئله برخورد نمود. بدین نحو، اگر ارائه‌دهنده بعد از فوت، اجازه و امکان دسترسی به حساب را به باز ماندگان ندهد و یا صرفاً عکس‌های غیرشخصی و مواردی که به عنوان یادگار از متوفی باقی مانده است را به ورثه بدهند، در این حالت بسیاری از فعالیت‌های تجاری که متوفی در زمان حیات خود انجام داده و بسیاری از سفارشات و تبلیغاتی که در این بستر انجام شده است، همگی نادیده انگاشته خواهند شد. در نتیجه ورثه و کسانی که هزینه‌ای بابت تبلیغات و خرید محصول پرداخت کرده‌اند، متضرر خواهند شد. در حالت مسئولیت مدنی برای ارائه‌دهنده قابل تصور خواهد

بود، چراکه ملزم می‌شود، خسارات ورثه را پرداخت نماید، یعنی منافعی که ورثه می‌توانستند با ادامه فعالیت صفحه مجازی بدست آورند و نیز تمام خساراتی که قرار است به مشتریان وارد شود را پرداخت کند. چرا که اوست با بستن حساب، منجر به آسیب به این اشخاص شده است و ورثه نباید مسئولیتی در این خصوص داشته باشند. امکان آن وجود خواهد داشت که، اگر این حساب در اختیار ورثه قرار گیرد به فعالیت تجاری متوفی ادامه دهند فلذا مشتریان نیز آسیبی نخواهند دید. اگر ورثه تمایلی به ادامه فعالیت صفحه مجازی نداشته باشند، مسئولیت برعهده خودشان خواهد بود، در غیر این صورت مسئولیت برعهده ارائه دهنده می‌باشد، زیرا اوست که طبق اصل تخصیص بهینه، اصل عدم تقارن اطلاعاتی و نظریه خطر باید مسئولیت را بر عهده بگیرد. این باعث می‌شود اتفاقا ارائه‌دهندگان خدمات، در تنظیم توافقنامه دقت بیشتری بنمایند و چه بسا شروط و بند هایی را برای ارث تصریح نمایند. قوانین سنتی، ممکن است تکافوی این مسئله را نکنند، در نتیجه اگر از مسئولیت مدنی استفاده نمایم مطابق قوانین و قواعد موجود عمل کرده و دیگر چالش خلاء قوانین و رویه وجود نخواهد داشت فلذا به نفع طرف ضعیف تر عمل خواهیم کرد. این باعث می‌گردد که ارائه‌دهنده در نظر داشته باشد که مسئولیتی مورد توجه او خواهد بود و برای موافقتنامه‌های تنظیمی چارچوبی تعیین کند. از این طریق منافع ورثه نیز منتفی نخواهد شد و یک مقوله دو سر سود خواهد بود. مسئولیت مدنی، پیمان و الزامی نانوشته است که فرد برای جبران زیان وارده به دیگری دارا می‌باشد؛ این زیان به دلیل عملکرد شخص مسئول یا عمل و فعل وابسته به او یا به دلیل اشیاء و اموال تحت مالکیت یا تصرف او ایجاد شده است.

حال که طبق بررسی‌های انجام شده، نمی‌توانیم نظام مشابه مالکیت سنتی را برای این اموال قائل شویم و از طرفی همانطور که بیان شد، مالکیت برای ارائه‌دهنده می‌باشد و کاربران حق انتفاع دارند، می‌توان مقرر نمود که مسئولیت مدنی نهاد مطلوب‌تری نسبت به سایر راهکارها خواهد بود. در نتیجه اگر می‌خواهیم که حق مالکیت را برای ارائه‌دهنده قائل شویم، مسئولیت مدنی را نیز باید برای او قائل شد (فرهنگ، ۱۳۹۸: ۱۲-۵). این مسئولیت برای ارائه‌دهنده نمی‌تواند مبتنی بر تقصیر باشد، بلکه مسئولیت مبتنی بر قاعده فقهی من لهما الغنم فعليه الغرم مد نظر است، خصوصا در جایی که به خود اجازه استفاده از محتویات ارائه شده از جانب کاربران را می‌دهد، مانند روبیکا و اینستاگرام.

در مورد وصیت، متوفی کتبا برای ورثه خود این اموال را می‌تواند به وصیت بگذارد، این موضوع ضمن آنکه با محدودیت یک سوم روبه‌روست، نظام قانونی و حقوقی در راستای حمایت آن وجود ندارد. در خصوص این که آیا واقعا این شبکه‌ها تحت مالکیت کاربران می‌باشند یا خیر، قطعیتی وجود نخواهد داشت و احتمال از بین رفتن و نقض حریم خصوصی خواهد بود. در مجموع این راهکاری که مطرح گشت در خصوص ارث این اموال و شبکه‌ها می‌باشد نه وصیت آنها. در ضوابط و مقررات شبکه‌های اجتماعی داخلی یا شبکه‌های اجتماعی پرکاربرد نه در مورد ارث و نه وصیت چیزی پیش‌بینی نشده است. راهکارهای دیگری نیز وجود دارند، برخی دیگر معتقدند که حساب بسته شود تا دیگر دغدغه‌ای از این بابت وجود نداشته باشد. به نظر این موضوع، تقلیل مسئله است و به جای ارائه راهکاری مفید و به نفع ورثه که جانشینان کاربر اصلی هستند، صورت مسئله را پاک خواهد کرد. در واقع نباید صرفا دنبال جمع شدن و بسته شدن این حساب‌ها و تعیین و تکلیف فوری شویم، چه بسا منافع مشتریان و منافع ورثه در میان است و ممکن است ورثه بخواهند به فعالیت مورث خود ادامه دهند و نباید مانعی برای این موضوع ایجاد کرد یا بدون دریافت خسارت حساب را بست و آنها را رها کرد (میرشکاری، ۱۳۹۷: ۱۱-۱۳).

۳.۲ ارائه گام‌هایی جهت اصلاح قوانین توسط قانونگذار

در ابتدا بیان شد که مقصود، ارائه راهکار از طریق قوانین و ظرفیت‌های داخلی موجود است لذا قانونگذاری در این مورد و نیز ایجاد ظرفیتی جدید، نیازمند صرف هزینه و زمان زیادی است، برای آنکه این پژوهش بتواند از حیث زمانی و هزینه‌ای تا حدودی به قانونگذار کمک کند و مفید واقع شود، متن پیشنهادی برای قانونگذار مطرح خواهد شد.

درگام نخست، باید فرهنگ سازی شود یعنی آنکه جامعه از حق و حقوق خود در محیط مجازی آگاهی کسب کند و بداند که این حمایت و پتانسیل وجود خواهد داشت که بتواند در خصوص حساب های خود در شبکه های مجازی وصیت کند یا آنها را برای آیندگان خود به ارث بگذارد.

درگام دوم، قانونگذار می بایست تعریف مال را تغییر داده و دامنه آن را از عین و دین بودن خارج کند. تعریفی که می توان در این خصوص نهایی نمود آن است که مال عبارت است از مجموع حقوقی که مالکیت به آن تعلق گرفته و نزد بشر دارای ارزش مبادله ای است. با این تعریف تمامی حقوقی که ارزش مبادله ای دارند مشمول مالیت داشتن تلقی خواهند شد.

در گام سوم، قانونگذار برای رفع ابهام می بایست به ارث شبکه های مجازی و به طور کلی اموال مجازی تصریح نماید و همانطور که تقسیماتی برای اموال فیزیکی قائل شده است برای آنها نیز قائل شود، مثلاً آنکه رمز عبور به دست تمامی ورثه برسد و هیچ کدام حق تصرف در حساب را نداشته باشند تا زمانی که همگی رضایت داشته باشند و همانند یک مکان فیزیکی تقسیم بندی های ارث صورت گیرد البته در این خصوص ابهامی نیست اما از حیث حمایت بهتر و رفع ابهام، توصیه به اشاره کردن تقسیمات با توجه به ویژگی های خاص این اموال می شود.

در گام چهارم نیاز به نظارت بر توافقتنامه هایی که در داخل ایران با کاربران بسته می شود وجود خواهد داشت تا این توافقتنامه ها از حیث شروط غیرمنصفانه و تحمیلی، به تعادل رسیده و حقوق کاربران را تضییع نکنند فلذا وجود نهاد ناظر و خود تنظیم گر بسیار مهم می باشد. در واقع یک مرجع یا نهادی مدنظر است که به صورت تخصصی بر این توافقتنامه ها نظارت کند و به اختلافات در این خصوص رسیدگی کرده و در صورتی که توافقی حاصل نشد حسب مورد، به دادگاه صالح و تخصصی مراجعه نماییم.

این موارد حداقل گام هایی است که برای قانونگذار می توان پیشنهاد نمود اما در واقع باید اذعان کرد، امروزه تشتت قوانین، نظارت شدید، محدود کردن بازار و اراده افراد پذیرفته نیست. تمسک به اصول حقوقی و اقتصادی ای که به مهمترین آنها در ابتدا اشاره شد، بسیار کارآمدتر خواهد بود. چراکه یک نظام حقوقی، زمانی توانایی لازم را دارا می باشد که بتواند از قوانین خود به نحو پویا استفاده کند و با توجه به ظرفیت های خود و استناد به مواد قانونی، فناوری های جدید را نیز مورد حمایت و توجه قرار دهد. لذا تغییر قانون باید در مرحله آخر باشد چرا که تشتت و تغییرات، نشانه وجود کاستی های تحلیلی برای حقوق دانان خواهد بود. از منظر نویسندگان این مقاله، استفاده از ظرفیت های حقوقی موجود، بهتر می تواند نقش حقوق دانان را برجسته کند. نباید همه چالش ها گردن قانونگذاران باشد، بلکه مناسب آن است که حقوق دانان از ظرفیتی که قانونگذار در اختیارشان گذاشته است بهترین استفاده را بکنند و طبق اصل اقتصادی بیشترین بهره وری را با کمترین امکانات ممکن بدست آورند البته در این راستا نیازمند قضاتی خواهیم بود که گوش شنوا داشته و تحلیل های حقوق دانان را دست کم نگیرند.

نتیجه

نوآوری‌هایی که به طور گسترده در عرصه ارتباطات و فعالیت‌های اقتصادی مشاهده می‌شود، نشان از اهمیت یافتن راه‌های ارتباطی و اقتصادی جدید از جمله شبکه‌های اجتماعی است. در این میان ممکن است تفاوت معنایی بین شبکه‌های مجازی یا فضای سایبری، مهم ظاهر شود اما همانگونه که بیان شد، تفاوت مهمی بین این دو مفهوم وجود ندارد و بیش از دقت در معنای این الفاظ، مقصود از شبکه‌های مجازی همان بسترهایی است که افراد از طریق ساختن اکانت (حساب) و متعاقبا با پیوستن به آنها، به فعالیت‌های مختلف اقتصادی می‌پردازند. فلذا باتوجه به اهمیت شبکه‌های مجازی در انجام فعالیت‌های اقتصادی، بحث مالیت داشتن آنها بیان می‌شود. مطابق برخی از نظریات، همانگونه که برای اموال سنتی و کهن، ویژگی‌هایی چون مفید بودن، منفعت عقلایی، قابل انتقال بودن و... را در نظر می‌گیریم، برای اموالی که در محیط مجازی قرار گرفته اند نیز تقریبا ارزش و ویژگی‌هایی مشابه با اموال سنتی و حتی فراتر از آن را قائل خواهیم بود. پس از اثبات و بررسی مالیت داشتن شبکه‌های مجازی، نکته‌ای که حائز اهمیت خواهد بود، قرارگرفتن شبکه‌های مجازی در ماترک متوفی و متعاقب آن ارث‌بردن از آنها می‌باشد. نکته مهمی که جالب توجه می‌باشد آن است که مقصود مقاله حاضر، بررسی این شبکه‌ها به عنوان یکی از اموال موجود در ماترک بود اما ظرفیت‌های قانونی موجود در ایران به طور خاص، برای این منظور کافی نمی‌باشند و نیازمند وضع مقرراتی می‌باشیم که ویژگی‌های خاص این شبکه‌ها را در نظرگیرند. با این اوصاف می‌توان بیان داشت، راهکاری که عملی و مطابق قوانین فعلی در ایران باشد، استفاده از نظام مسئولیت مدنی در خصوص شبکه‌های اجتماعی خواهد بود. همانگونه که اموال سنتی ظرفیت قرارگیری در ماترک را دارا می‌باشند، بهتر است برای این شبکه‌های مجازی نیز چنین قابلیتی ایجاد شود. در نظام حقوقی ایران اشاره‌ای به این موضوع نشده است و هنوز جای تحلیل و بررسی فراوانی وجود دارد. تا پیش از توجه قانونی برای این امر، در عمل یک راهکاری را می‌توان اعمال کرد که در وقت و در هزینه‌ها صرفه جویی شود. این راهکار، مسئولیت مدنی برپایه نظریه خطر بود. بر اساس این نظریه، هرکسی که دارای قدرت، اطلاعات و ظرفیت‌های بیشتری می‌باشد، باید به همان اندازه مسئولیت او نیز بیشتر باشد. بدین ترتیب با توجه به خلاءهای قانونی موجود، می‌توان به سهولت و با استفاده از امکانات حاضر در نظام حقوقی ایران، مشکل را به طور موقت حل کرد تا در آینده مقرراتی دقیق درخصوص این شبکه‌ها با در نظر گرفتن ویژگی‌های خاص آنان صورت پذیرد. در نتیجه، در این راهکار، در کنار آنکه منافع ورثه متوفی حفظ خواهد شد، منافع اشخاص ثالثی که به واسطه این شبکه‌های اجتماعی با متوفی معامله‌ای داشته‌اند نیز حفظ خواهد شد. فلذا ورثه می‌توانند از زیانی که به واسطه عدم قرارگیری این شبکه‌ها در ماترک متوفی بر آنها تحمیل می‌شود، مصون بمانند. چنانچه پشتوانه حقوقی‌ای در این خصوص وجود نداشته باشد و به تبع آن پلتفرم‌ها اعم از داخلی و خارجی توافقنامه‌های غیرمنصفانه‌ای علیه کاربران وضع کنند و مانع ارث‌بری این اموال توسط ورثه بشوند، در این شرایط، احسن است که زیان عدم ارث‌بری، جبران شود و منافی را برای آنها (ورثه) به همراه داشته باشد. در نتیجه از مبالغی که محاکم برای جبران خسارت تعیین می‌کنند، ورثه می‌توانند ارث ببرند. مسئولیت مدنی خارج از قرارداد است لذا می‌توان از آن به عنوان ضمانت اجرا استفاده نمود. در این حالت ارائه‌دهندگان این شبکه‌ها به موضوع ارث‌بری توجه خواهند کرد. این نکته را نیز باید بیان داشت همانطور که ذکر شد، این راه حل موقتی می‌باشد و بهترین راه حل، وضع قانون در این موضوع می‌باشد. فلذا تا آن زمان، تاکید می‌شود جنبه‌هایی از اموال که مربوط به حریم خصوصی افراد هستند یا بعضا قائم به شخص می‌باشند نباید در دسترس ورثه قرارگیرند، مگر آنکه خود متوفی این وصیت را از قبل انجام داده باشد. واضح است که اگر محتوای این شبکه‌ها بر جرائم و برخی از مواردی که مربوط به نظم عمومی جامعه است، تاثیر گذار باشند، ضروری است که افشاء بشوند در غیر این صورت اصل بر عدم فاش شدن و انتقال اموالی است که قائم به شخص بوده و جنبه حریم خصوصی دارند، مگر آنکه به موجب قانون یا وصیت این موضوع بلامانع باشد. راهکارنهایی، استفاده از نظام مسئولیت مدنی بر پایه نظریه خطر است و اعتقاد پژوهشگران این مقاله، آزادی حقوقدانان در تحلیل قوانین موجود و استفاده از ظرفیت‌های کنونی برای دریافت پاسخ است. فلذا این موضوع بر قانونگذاری ترجیح دارد زیرا تغییر قوانین و ایجاد ظرفیت‌های جدید از دید تحلیل اقتصادی حقوق مستلزم زمان و هزینه فراوان می‌باشد. با این حال، قانونگذاری و تشریح آن به خصوص در کشورهایی مانند ایران بیشتر مورد توجه بوده و عینی‌تر است. لذا با این تعبیر نیازمند رعایت حداقل چهارگام برای نظارت و مقررات‌گذاری کارا در این زمینه خواهیم بود که به تفصیل در مقاله ذکر گردید.



منابع و مآخذ

- امامی، سید حسن. (۱۳۷۳). حقوق مدنی، جلد ۲، چاپ ۱۴، تهران، انتشارات اسلامی.
- بجنوردی، سید میرزا حسن. (۱۳۸۹). القواعد الفقهیه، نجف، مطبعه الآداب.
- بهنم پوری، عبدالله، شادمانفر، محمدرضا، پورغلامی فراشبندی، مجتبی. (۱۳۹۳). بررسی فقهی و حقوقی مال بودن داده های رایانه ای، فصلنامه فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال ۴۷، شماره ۲، ۲۴۴-۲۳۱.
- پناهی، مهدی، الماسی، نجادعلی، شمس، احمد، محمدطاهری، محمود رضا. (۱۳۹۹). مولفه ها و اصول حقوقی حاکم بر مالکیت در فضای مجازی، فصلنامه علمی تحقیقات حقوقی آزاد، دوره ۱۳، شماره ۴۸، ۳۸-۲۳.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۸۸). حقوق اموال، تهران، انتشارات گنج دانش.
- حسینی، سید جواد. (۱۳۹۷). مسئولیت در شبکه های اجتماعی، کنفرانس ملی الگوهای نوین در مدیریت و کسب و کار، دوره ۱، ۱۳-۱.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۲). لغتنامه دهخدا، جلد ۴۳، تهران، نشر موسسه.
- سند راهبردی جمهوری اسلامی ایران در فضای مجازی مصوب ۲۱ شهریور ۱۴۰۱.
- فتحی، بدیع، دادمهرزی، سید مهدی، ناصری دولت آبادی، مهدی. (۱۳۹۶). مطالعه تطبیقی وصیت اموال دیجیتالی در حقوق ایالات متحده آمریکا کانادا و ایران، پژوهش های حقوق تطبیقی، دوره ۲۱، شماره ۲، ۱۵۲-۱۲۹.
- فرهنگ، شاپور. (۱۳۹۸). مسئولیت مدنی، چاپ اول، تهران، انتشارات قانون یار.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۲). دوره مقدماتی حقوق مدنی اموال و مالکیت، جلد ۱، تهران، نشر دادگستر.
- لایحه حمایت از مالکیت فکری وصول شده در تاریخ ۱۳۹۳.
- ماوی. (۱۳۸۲). مجله قوه قضاییه، شماره ۸.
- محقق نراقی، احمد ابن محمد. (۱۴۱۵) مستند اشیعه، مشهد، موسسه آل البیت لاحیاء التراث.
- ملکوتی، رسول، ساورایی، پرویز. (۱۳۹۵). درآمدی بر مسئولیت مدنی در فضای سایبری، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، سال چهارم، شماره ۱۵، ۱۴۷-۱۲۹.
- میرشکاری، عباس. (۱۳۹۷). ارث حساب های مجازی، دوفصلنامه علمی دانش حقوق مدنی، سال ۷، شماره ۲، ۸۶-۷۱.

BBC News (May 12, 2024). Facebook ruling: German court grants parents rights to dead daughter's account. <https://www.bbc.com/news/world-europe-44804599>.

18. Blazer, Charles. (2006). The Five Indicia of Virtual Property, Pierce Law Review, Vol 5, Issue 1, 137 - 161 available at http://scholars.unh.edu/unh_lr/vol5/iss1/8.

Brain, Sweigman. (2013). What happens to your digital assets when you die. https://www.huffpost.com/archive/ca/entry/what-happens-to-your-digital-assets-when-you-die_b_2606822.

Cenveo corp.v.celum solutions software gmbh and co.504 f.supp.2d574.576(d.minn.2007): Perloff v. stein. No 10-1758.2011 wl 666167.at 1(e.d.penn.2011).<https://case-law.vlex.com/vid/cenveo-corp-v-celumsolutions-885009106>.

Chen, Shen. (2019). Path Transformation in the Construction of Virtual Property Rules: from the Perspective of Research Paradigms, Renmin Chinese Law Review: Selected Papers of the Jurist, Vol 6, 102-121.

Handerson, Peyton .(Feb19,2024).How much time does the average person spend on social media?
https://medium.com/@peyton_73233/how-much-time-does-the-average-person-spend-on-social-media-c4486c2fefcf.

<https://adsider.com/america-vs-apple-google-facebook-and-amazon/>

24. <https://bale.ai/terms>

25. <https://fanavari.co/>

26. <https://help.instagram.com/>

27. <https://m.rubika.ir/>

28. <https://motamem.org/>

29. <https://repository.upenn.edu/>

<https://scholarship.law.vanderbilt.edu/jetlaw/vol11/iss4/10>

30. <https://web.eitaa.com/>

31. <https://www.cnbc.com/world/?region=world>

32. <https://www.digitalmarketing.org.in/>

33. <https://www.huffpost.com/>

34. Juhász, Ágnes .(2024). 'Inheriting Digital Assets – A Glimpse Into the Future', Juridical Tribune – Review of Comparative and International Law 14, no. 4: 547-563, <https://www.tribunajuridica.eu>.

35. Kutler, Noam.(2011). Protecting Your Online You: A New Approach to Handling Your Online Persona After Death, Vol 26, Issuel4,1642-1670. <https://lawcat.berkeley.edu/record/1124492?v=pdf>.

36. Li, Xin, Xiao, Xueliang. (2023). Research on the legal issues of inheritance of virtual property on the internet. Journal of Humanities, Arts and Social Science, 7(9), 1785-1789. 20231024191752.pdf
<https://share.google/7cX5edi8kPVgqdA6c>

37. Ott, Claus, Schäfer, Hans-Bernd. (2009). The dichotomy between property rules and liability rules – Experiences from German law. Erasmus Law Review, Vol 1, Issue 4, 42-58.
https://www.researchgate.net/publication/4908188_The_Dichotomy_between_Property_Rules_and_Liability_Rules_-_Experiences_from_German_Law

38. Xiaying Mei , Ke Xu.(2015). The theory of and legislation regarding virtual property inheritance, Renmin Chaineese Law Review: Issuel3, 256-282.

39. Yee fen Lim, Hannah. (2009). Who monitors the monitor? Virtual world governance and the failure of contract law remedies in virtual worlds. Vanderbilt Journal of Entertainment & Technology Law, 11(4), 1053-1073.

